

یکشنبه 17 آذر 1398 - 10 ربیع الثانی 1441 - 8 دسامبر 2019

آغاز تأسیس "تهران جدید" در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (1246 ش)



آغاز تأسیس "تهران جدید" در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (1246 ش)، با آغاز سلسله قاجاریه، تهران به عنوان پایتخت کشور، معرفی شد و پادشاهان در آن، اقامت داشتند. این روال بیش از هفتاد سال ادامه یافت تا این که در بیست و یکمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، بر اثر فزونی جمعیت، وی تصمیم گرفت که شهر را وسعت داده و شهری با نام خود در کنار تهران قدیم یا عتیق بنا کند. از این رو، در این روز برابر با یازدهم شعبان 1284 ق کنگ توسعه تهران و احداث شهر جدید با نام دارالخلافه ناصری را به زمین زد و از این پس، تهران به این نام خوانده می‌شد. بدین ترتیب، شهر تهران از اطراف توسعه یافت و خندق‌های در جهات مختلف ایجاد گردید. همچنین در هر طرف شهر، سه دروازه با شکل‌های زیبای مشرق زمینی و کاشی کاری و مناره کوچک ساخته شد و شهر، وسعت یافت.

به توب بیست و یکمین گنبد مطهر خم حضرت امام رضا (ع) توسط سربازان روسیه (1330 ق)، پس از تشکیل ژاندرمری مخصوص خزانه داری کل ایران توسط مورگان شوستر آمریکایی، دولت روسیه که این اقدام را مخالفت مطامع خود در ایران می‌دانست، طی اولتیماتومی به دولت ایران، خواستار اخراج شوستر از ایران و نیز استخدام اتباع خارجی با اجازه روس و انگلیس شد. در پی رد این اولتیماتوم دخالت روسیه توسط مجلس شورای ملی، قوای روسی مستقر در تبریز وارد قزوین شدند. هم‌زمان یکی از دست نشاندهان دولت روس در مشهد به نام یوسف هراتی به تحریک روس‌ها، شورشی مصنوعی در مشهد به پا کرد. قوای روس نیز به بهانه این که جان اتباع آن‌ها در خطر است به شهر مقدس مشهد وارد شدند و سپس برای تهدید دولت ایران و نیز بی‌احترامی به عقاید و احساسات مذهبی مردم، حرم مطهر امام رضا (ع) را به توپ بستند و جنایتی دیگر آفریدند. در اثر شلیک توپخانه، به سردرها و گلدسته‌های حرم رضوی، خسارات فراوانی وارد آمد. هم‌زمان چنین خزانه روسی حضرتی را به بانک روس منتقل کرده و اشیای قیمتی حرم را به غارت بردند. پس از آن، مقداری از اموال را برگردانده ولی متولی حرم را با تهدید به مرگ وادار کردند که تصدیق کند که تمام خزانه را تحویل گرفته است. علاوه بر این، عده‌ای بسیاری از مردم مشهد در این تهاجم وحشیانه کشته و مجروح شدند.

تولد "ترشخه" دانشمند نه‌بسنده‌ای شمس (286 ق)، ابو جعفر محمد بن جعفر معروف به ترشخی از مورخان قرن چهارم هجری قمری به شمار می‌رود. وی کتاب تاریخ بخارا را به زبان عربی به نام امیر نوح بن نصر سامانی تألیف کرد. ترشخی در سال 347 ق در شصت و دو سالگی درگذشت.

مرگ "هربرت اسپنسر" متفکر و فیلسوف معروف انگلیسی (1903 م)، در 27 آوریل 1820 م در انگلستان به دنیا آمد. وی از کودکی تحت تعلیمات پدر قرار گرفت و از علوم مختلف، همانند علوم طبیعی، فیزیک، شیمی و تشریح معلوماتی پراکنده آموخت. اسپنسر تحصیلات منظمی نداشت و معلومات فراوان خود را از راه تجربه و تتبعات شخصی به دست آورد. وی از آغاز عمر به بحث درباره مسائل سیاسی و دینی و فلسفی علاقه داشت و از مطالعات علوم طبیعی یک رشته تحول و تکامل برایش پیش آمد که تصمیم گرفت تصنیفاتی را به عنوان فلسفه تالیفی مبنی بر همان نظر تصنیف کند. فلسفه علمی اسپنسر که هدفش تبیین پدیده‌های زندگی، بنای این فلسفه در تبیین سراسر کائنات به مثابه حرکتی پیش‌رو از یک مرحله کامل‌تر، بر قوانین تکامل نهاده شده بود. اسپنسر یک فیلسوف مادی بود و بیش از تخیلات به واقعیات توجه داشت. وی بیش از مطالعه، به مشاهده می‌پرداخت و همیشه به وجه بی‌روح و سرد زندگی می‌نگریست. در حقیقت اصرار داشت که این تنها وجهی است که وجود دارد. حقیقت چنان که وی پرده از چهره آن بر می‌دارد، سرد، ملامت‌انگیز و مرده است. آدمی حسنی بدون روح است و جهان ماشینی، و بدون روح. هر عملی که در جهان یا در ذهن آدمی انجام می‌گیرد بر طبق اصول مکانیکی قابل توجیه است. اسپنسر آنچه را که وراي تجربه است کنار گذاشت و خویشتن را وقف آنچه به تجربه درمی‌آید، نمود. وقتی که وی از فهم آغاز خلقت هستی و خالق آن باز می‌ماند، محدودیت ذهن و فکر بشر را مطرح می‌کند و "لادری" یعنی چیزی نمی‌دانم را مطرح می‌نماید. با این حال اسپنسر بر این عقیده بود که تمام هستی، حرکتی متوازن دارد گرچه در پایان کار، عدم بر همه چیز مستولی خواهد شد. پس از آن، اسپنسر به علم اخلاق پرداخت و اعلام کرد که هدف نهایی سلوک آدمی، باید حفظ و تکثیر حیات باشد. اسپنسر می‌اندیشید این که ما برای نیل به این آرمان می‌کوشیم. ناشی از یک حس اخلاقی ذاتی است. نژاد بشر در کشمکش طولانی خود برای هستی، سجایا و عکس‌العمل‌های غریزی کسب کرده است که وی را به ادامه حیات قادر می‌سازد. این عکس‌العمل‌ها به تدریج رفتارهای خوب به شمار آمده‌اند. عمل خوب آن است که به ادامه زندگی کمک می‌کند و عمل بد، آن است که راه به مرگ می‌برد. در دوران‌های ابتدایی تاریخ بشر، آدمیان کشتن یک‌دیگر را برای زنده ماندن ضروری یافته بودند. اما کم‌کم به ذهن آدمی رسید که برای بقا راه

درگذشت "واپیتس، برینگ" دایانه، دانمارک، و کاشف تنگه برینگ (1741م) واپیتس برینگ، دریانورد معروف دانمارکی در 5 اگوست 1681م در شهر هوسن دانمارک به دنیا آمد. وی در سال 1704م وارد نیروی دریایی روسیه شد و در جنگ علیه سوئدی‌ها؛ برینگ در پایان خدمتش در نیروی دریایی، به مسافرت‌های اکتشافی برای روسیه دست زد و در جستجوی حدود شرقی سواحل شمال آسیا برآمد. از این رو در پنجم فوریه 1725م از سن‌پترزبورگ بیرون آمد و پس از گذشتن از سیبری، دریانوردی خود را آغاز کرد. وی در سال 1728م در سواحل شمال شرقی آسیا ادامه مسیر داد و در 30 اوت 1740م تنگه‌ای را که بعدها به نام خودش معروف شد، کشف کرد. وی با کشف تنگه برینگ که شمال شرق آسیا و شمال غرب آمریکا را از هم جدا می‌کند، ثابت کرد که قاره آسیا از آمریکا جدا است. برینگ هم‌چنین جزایر سنت لارنس در غرب آلاسکا در دریای برینگ، سن لوران در جنوب شرقی کانادا و دیومید در دریای برینگ را کشف کرد. وی طی سال‌های بعد نیز موفق به کشفیاتی گردید که نام و آوازه‌اش را بلند گردانید. در یکی از این سفرها، توفان‌های شدید و مرض و بیماری، او را مجبور کرد که از اکتشافات جدید چشم‌پوشد و بازگردد. در راه بازگشت، کشتی وی به ساحل جزیره‌ای ویران و بی‌آب و علف نزدیک منطقه کامچاٹکا در شرقی‌ترین نقطه روسیه، رسید و در آن‌جا بود که در 8 دسامبر 1741 در همان جزیره‌ای که به نام او نامیده می‌شود در 60 سالگی درگذشت.

آسان‌تری وجود دارد و آن همکاری و معاونت است و به این ترتیب، به تدریج مفهوم عدالت به میان آمد. همه افراد آزاد هستند که از منابع معدنی زمینی استفاده کنند ولی آزاد نیستند که از یک‌دیگر بهره‌کشی کنند. مردم باید با هم همکاری داشته باشند نه آنکه با یک‌دیگر رقابت بورزند. اسپنسر می‌گفت از هر کس به اندازه استعدادش کار بخواهید و به اندازه استحقاقش بدهید. در خانواده انسان، هر کودکی دارای این حق است که مورد حمایت و عنایت قرار گیرد و هر بزرگسالی مکلف است که از روی میل و علاقه به همکاری با دیگران برخیزد. ناتوان را کمک کنید و دیگران را آزاد بگذارید که بدون تخطی به آزادی دیگران، خویششان را مددکار باشند. اسپنسر قانون اخلاقی جدیدی عرضه می‌دارد که بر اساس آن می‌گوید، با کودکان و ناتوانان به ترحم، و با بزرگسالان و نیرومندان به عدالت رفتار کنیم. این قانون نه تنها باید در گروه‌های انفرادی، بلکه در تمام خانواده بشریت اجرا گردد. اسپنسر در طول حیات علمی خود کتب مهمی به نگارش در آورد که اصول روان‌شناسی، مبادی اولیه اصول شناخت زندگی، اصول علوم اجتماعی در 3 جلد و اصول زیست‌شناسی در 2 جلد از آن جمله‌اند. هربرت اسپنسر سرانجام در هشتم دسامبر 1903م در 83 سالگی درگذشت.